



با انتقال متهم به کرج او را تحت بازجویی قرار دادیم که ۱۲ روز داستان سرایی کرد. سرانجام لب به اعتراف گشود و به قتل اقرار کرد.

مرد جوان مدعی شد وقتی علیه مقتول شهادت دادم، آزار و اذیت‌های او شروع شد. چند باری از من شکایت کرد و دوستانش را به عنوان شاهد به دادگاه آورد اما من تبرئه شدم. او که دید با شکایت کار به جایی نمی‌برد با تهدید چاقو از من فیلمی تهیه کرد که در آن به خانواده ام توهین می‌کنم. می‌دانستم که تهدیدها و کارهای زشت محمود تمامی ندارد به همین خاطر با او درگیر شدم. اگر فیلم منتشر می‌شد همه چیز برایم تمام می‌شد. به همین خاطر باید محمود را می‌کشتم تا فیلم پخش نشود. روز حادثه او را تعقیب کردم و متوجه شدم به داخل نمایشگاه ماشین رفته است. وقتی از نمایشگاه خارج شد، سوار خودرو شد و در خیابان چرخی زد. موقعی که می‌خواست پیاده شود، ابتدای یک گلوله به شیشه خودرو شلیک کردم اما به محمود نخورد. سریع در را باز کرده و با شلیک سه گلوله از آنجا فرار کرده و به شمال کشور رفتم.

به همراه زن مورد علاقه ام با یک صیغه‌نامه جعلی به کیش رفتم و در آنجا قصد داشتیم با دریافت مدارک جعلی به دبی یا قطر سفر کنیم اما قبل از این که بتوانیم فرار کنیم، مأموران سر رسیدند و ما را دستگیر کردند.

با اعتراف‌های این متهم، پرونده قتل دیگری رازگشایی شد و با دستگیری قاتل در کیش از فرار او جلوگیری کردیم. همسر صیغه ای مقتول در حال حاضر به اتهام معاونت در قتل در بازداشت است و تحقیقات درباره نقش او در جنایت ادامه دارد.

شدیم وزن ۳۰ ساله را دستگیر کردیم. او ابتدا منکر هرگونه اطلاعی از قتل همسر سابقش بود و در تحقیقات گفت: یک روز متوجه شدم محمود، همسر سابقم در خودروی من جی‌پی‌اس و شنود قرار داده است با او در خیابان درگیر بودم که قاتل به سمت من آمد و به هواداری من با همسر سابقم درگیر شد. در جریان این درگیری، محمود را کتک زد که همین باعث شد من به او اعتماد کنم. او به عنوان شاهد در پرونده ما شهادت داده بود.

این در حالی بود که بررسی‌های تخصصی پلیس نشان می‌داد، این زن قبل از قتل شوهرش از مردی خواسته بود، محمود را به قتل برساند. افشای این موضوع این احتمال را مطرح کرد که علیرضا هم به ترغیب همسر مقتول مرتکب این جنایت شده است.

هیچ سرنخی از قاتل نداشتیم و هر لحظه احتمال می‌دادیم او از کشور خارج و پرونده نیمه‌کاره باقی بماند. بالاخره با همکاری افسر ویژه قتل توانستیم رد او را در شمال کشور بنزیم. وقتی به آنجا رفتیم، متوجه شدیم قاتل ساعتی قبل از حضور ما از آنجا فرار کرده است اما در شمال کشور به سرنخ‌های خوبی رسیدیم. یکی از آنها این بود که قاتل با زن مورد علاقه‌اش که اهل یکی از شهرهای شمالی بود، متواری شده است.

با توجه به این که زن جوان سابقه سرقت و زورگیری داشت، تحقیقات خود را ادامه دادیم و رد پای آنها را در کیش پیدا کردیم. با او تماس گرفتم و بعد از صحبت قبول کرد تسلیم شود. موضوع را به پلیس کیش اعلام کردیم تا قاتل جوان را همراه زن خلافکار شناسایی و دستگیر کنند.

عصر یکی از روزهای مرداد امسال و درحالی که آماده می‌شدم به هیات بروم، تلفن اداره زنگ خورد. وقتی تلفن را برداشتم افسر یکی از کلانتری‌ها از شلیک مرگ‌بار به مرد ۳۵ ساله‌ای در خودروی پرشیایی که کنار خیابان پارک شده بود، خبر داد. فهمیدم که پرونده قتل سنگینی است به همین دلیل خودم هم با افسر ویژه قتل به صحنه جنایت رفتم. بررسی‌های صحنه جنایت نشان می‌داد مقتول غافلگیر شده و نتوانسته از خودش در برابر قاتل دفاع کند. هنگام بررسی صحنه متوجه شدیم قاتل ابتدا به شیشه خودرو شلیک و بعد با بازکردن در خودرو سه تیر به مقتول شلیک کرده است. مرد جوان نیز به علت اصابت تیر به سرش، جانش را از دست داده است.

در تحقیقات اولیه از اهالی محل، هویت مقتول به نام محسن مشخص شد. بازپرس ویژه قتل دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را داد.

همان شب توانستیم هویت قاتل به نام علیرضا را کشف کنیم اما هرچه به پاتوق‌های او و خانه‌اش می‌رفتیم، خبری از وی نبود. گویی قاتل به قطره‌آبی تبدیل شده و در زمین فرو رفته بود. تحقیقات را در حوزه دیگری دنبال کردیم و متوجه شدیم همسر سابق مقتول که با او دچار اختلافاتی بوده، همسایه قاتل است. در پیگیری پرونده متوجه شدیم در پرونده دعوای این زوج، قاتل به عنوان شاهد به نفع همسر مقتول شهادت داده و همین موضوع باعث اختلاف آنها شده بود. به همین دلیل مقتول نیز چندبار از قاتل شکایت کرده اما راه به جایی نبرده بود. با توجه به این سرنخ‌ها به همسر سابق محمود مشکوک

۴۰

برخی افراد خود را  
در مقام صادرکننده  
و مجری حکم  
می‌دانند و  
تصورشان این است  
که در صورت بروز  
مشکل خودشان  
باید اقدام کنند

۴۰

زود

## خودسر نباشیم

یک اختلاف که به راحتی می‌شد از طریق مراجعه قضایی حل شود با اقدام خودسرانه متهم، به قتل تبدیل شد و خانواده‌ای را داغدار کرد. در این پرونده و براساس ادعای متهم، او پس از این که با تهدید مرد جوان مجبور می‌شود حرف‌هایی را درباره خانواده‌اش بزند، تصمیم به قتل می‌گیرد. یعنی اشتباه‌ترین تصمیم ممکن. یعنی اقدامی خودسرانه برای مقابله با یک جرم. حالا تصمیم او فرجامی جز کشته شدن یک نفر و زندانی شدن خودش به اتهام قتل ندارد.

متأسفانه برخی افراد خود را در مقام صادرکننده و مجری حکم می‌دانند و تصورشان

این است که در صورت بروز مشکل خودشان باید اقدام کنند. این رفتار نه تنها با تبعات سختی برای فرد همراه خواهد شد، بلکه باعث ایجاد هرج و مرج در جامعه می‌شود. دستگاه قضایی و نیروی انتظامی دو دستگاه برای رسیدگی به تظلم‌خواهی شهروندان است که افراد برای پیگیری شکایات خود باید به آنجا مراجعه کرده و اجازه دهند شکایت‌شان روند قانونی خود را طی کند. در این مسیر می‌توانند از وکلای کارشناسان حقوقی نیز کمک بگیرند تا سریع‌ترین مسیر برای رسیدن به نتیجه را انتخاب کنند.

از سوی دیگر دستگاه قضایی هم باید روند رسیدگی به پرونده‌ها را سرعت بخشد تا شهروندان امید بیشتری برای طرح شکایت و به سرانجام رسیدن آن داشته باشند.